

# انتخابات، جنبش سرنگونی و انقلاب

حمید تقوایی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین  
شده است

مندرج در انترناسیونال ۹۲۳

خلیل کیوان: جمهوری اسلامی با چیدمان و شرایطی که در آستانه انتخابات ایجاد کرده است به دنبال چیست؟ چرا بنحو کم سابقه ای همه کاندیداهای جناح های رقیب را غربال کرده است و از برگزاری یک انتخابات رقابتی حتی میان جناح ها و گرایشات درونی خود هم اجتناب میکند؟ جمهوری اسلامی به کجا میرود؟ رابطه جناح ها با یکدیگر چگونه خواهد شد؟ با توجه به انقباض بیش از پیش هسته سخت حکومتی و محدود شدن پایه های حکومت و انسداد مطلق، جامعه چگونه عکس العمل نشان خواهد داد؟ آیا جمهوری اسلامی موفق میشود شرایط سالهای ۶۰ و سرکوب را احیا کند و خود را برای مدت طولانی در قدرت نگه دارد؟ آیا انفجار و انقلابی در راه است و حکومت خود را برای این تقابل آماده میکنید؟ جنبش سرنگونی چه مختصاتی بخود خواهد گرفت؟ جنبش سرنگونی و انقلابی چگونه باید برای شرایط پسا انتخاباتی آماده شود؟ در مورد این موضوعات با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

حمید تقوایی، انتخابات در جمهوری اسلامی هرگز با معیارها و نرم های شناخته شده و قابل قبول و رایج در

دنیا همخوانی نداشته است. اما انتخابات پیش رو، حتی با نرم‌ها و معیارهای رایج جمهوری اسلامی هم متفاوت است. این حتی انتخاباتی از میان جناح‌های حکومتی و انتخابی بین بد و بدتر هم نیست. دست و پا و دهان رقبا و مخالفین درونی را بسته‌اند. برایشان خط و نشان میکشند که ساکت باشند. تهدیدشان میکنند. جانی‌ترین و آدمکش‌ترین شخصیت همچون رئیسی را قرار است از صندوق بیرون بکشند. انتخابات از پیش به فرجام رسیده است. این شرایط ناشی از چیست؟ شما چه ارزیابی‌ای از چنین انتخاباتی دارید؟

حمید تقوایی: به نظر من عامل اصلی ایجاد این وضعیت، آنچه باعث شده ما شاهد چنین "انتخاباتی" باشیم، اینست که جامعه در یک سطح بسیار گسترده و رادیکال و صریحی مقابل حکومت قرار گرفته است. این تقابل آشکار و قطبی شرایط را کاملاً عوض کرده است.

همانطور که اشاره کردید انتخابات گذشته هم با هیچ معیاری انتخابات نبود. ما در جمهوری اسلامی هیچوقت انتخابات نداشته‌ایم. انتصابات بوده است که با معماری

خود حکومت انجام میشده و هر کس را هم که میخواسته اند از صندوق بیرون می آوردند. فرق این دوره با گذشته اینست که قبلا برای بازارگرمی سعی می کردند نوعی رقابت بین جناحها شکل بگیرد و وعده های لفظی ای به مردم داده شود و کلا تلاش می کردند نشان بدهند که حکومت پایگاه و نفوذی در جامعه دارد. آن دوره گذشت. هم از نظر مردم و هم از نظر حکومت.

قبلا و مشخصا قبل از خیزش ۹۶، بالاخره بخشی از جامعه تصور میکرد برای دادن به کاندیداهای دو خردادی خامنه ای را عقب میراند و به دعوای حکومتیها دامن میزند و مردم میتوانند از این شرایط برای تعرض بیشتر به کل حکومت استفاده بکنند. این نوع محاسبات هم دوره اش اش گذشته است. شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" پرونده کل حکومت و بازیهای جناحی را در انظار جامعه برای همیشه بست.

از نظر حکومت هم دیگر برپائی نمایش انتخاباتی و حتی تظاهر به برخورداری از رای اکثریت مردم نه امکان پذیر است و نه دردی از او دوا میکند. مردم را در هوا و زمین

کشته اند و بجز سرکوب و ارباب و کشتار بیشتر راهی برای ادامه بقا ندارند. اسلحه اربابشان هم هر روز کند تر و بی اثر تر میشود. انتخابات برای چنین حکومتی همان جایگاه را دارد که مثلا برای دیکتاتور خونریزی نظیر پینوشه داشت.

با این ترتیب با یک حالت سیاه و سفید و کاملاً قطبی روبرو هستیم. در یکسو حکومتی است که میزند و میکشد و به سر مردم شلیک میکند و با این حال نتوانسته است جامعه را مرعوب کند. حکومتی که میداند مورد تنفر کل مردم است و بر آتشفشان خشم مردم نشسته است. و در سوی دیگر مردمی که عزم جزم کرده اند این حکومت را بزیر بکشند. این شرایط باعث شده است که از خیر مانور دادن های انتخاباتی بگذرند و تلاش کنند که حول خط ولایت فقیه نظامشان را یکپارچه کنند. در نتیجه حتی کاندیداهائی که ممکن است اندک زاویه ای با خط ولایت فقیه داشته باشند را رد صلاحیت کردند و کنار گذاشتند. اینجا دیگر حتی ظاهر سازی ای هم در کار نیست. انتخاباتی برگزار میشود و همه هم میدانند قرار است رئیسی از صندوق بیرون بیاید. این بیش از

هر چیز نشان دهنده ضعف و درماندگی کامل حکومت است.

خلیل کیوان: با این حال حکومت یک حالت تهاجمی به خودش گرفته است و به نظر میرسد میخواهد ایجاد رعب و وحشت کند و فضا را سنگین کند. آیا جمهوری اسلامی میتواند با تهدید و سرکوب و خونریزی سالهای وحشت دهه شصت را مجددا زنده کند؟

حمید تقوایی: بهیچوجه. سرکوب دهه شصت اقدام سرکوبگرانه ای بود در برابر انقلاب ۵۷ که سر باز ایستادن نداشت. مردم از خواستههای انقلاب شان کوتاه نمی آمدند و ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده شروع کرد به سرکوب مردم برای آنکه از ادامه انقلاب جلوگیری کند. و امکانات و ابزارهای هم برای سرکوب در اختیار داشت. شعار مرگ بر آمریکا و بعد از شاه نوبت آمریکاست و تسخیر سفارت آمریکا و بدنبال آن بخصوص آغاز جنگ با عراق به حکومت امکان داد تا به بهانه و در پناه این تحولات جامعه را به صلابه بکشد. به مردم میگفتند نفس نکشید چون درگیر جنگ با عراق

و آمریکا هستیم. ضد انقلاب تازه به قدرت رسیده به کردستان لشکر کشی کرد، دانشگاهها را کوبید، شوراها را که در سطح وسیعی تشکیل شده بود برچید، نیروهای چپ و مخالف خود را از دم تیغ گذراند و هزاران نفر را اعدام کرد و غیره و غیره.

امروز نه تنها آن شرایط وجود ندارد بلکه برعکس شاهد تعرض جامعه هستیم. از ۹۶ تا امروز دو جنبش عظیم توده ای سر بلند کرده است و حکومت هم با نهایت خشونت و توحش به این خیزش ها برخورد کرده است اما نتوانسته است جامعه را مرعوب و مختنق کند. خیزش توده ای ۹۶، علیرغم سرکوبگریها، بعد از دو سال خیزش توده ای تر و رادیکال تری را بدنبال خود داشت. و امروز هم شاهد هستیم که خود انتخابات تبدیل شده است به محملی برای اینکه مردم بر سرنگونی تاکید کنند. از جمله مادران آبان علنا در ویدئو کلیپی اعلام میکنند رای ما سرنگونی است و به این ترتیب از تحریم انتخابات فراتر میروند و کل موجودیت جمهوری اسلامی را به چالش میکشند.

در این شرایط نه تنها دیگر حکومت آن توان و امکانات سرکوب و کشتارهای دهه شصت را ندارد بلکه از نظر سیاسی و توازن قوا و فضای کلی جامعه هم در موقعیتی ضعیف تر از همیشه قرار گرفته است. اینجا حکومت نه با ادامه انقلاب ضد سلطنتی، بکه با خطر انقلاب بمراتب گسترده تر و کوبنده تری علیه خود روبروست. حکومت حتی تظاهر به برخورداری از پایگاه و نفوذ اجتماعی و ادعای مستضعف پناهی را هم کنار گذاشته است. خامنه ای بعد از خیزش ۹۸ رسماً اعلام کرد که مستضعف یعنی اولیای الله! که منظورش خودش و بیت رهبری و آخوندهای دانه درشتی نظیر خودش بود. مجبور بود برای توجیه و آرام کردن نیروهای بسیجی که علیه مردم آتش به اختیار شان کرده بود این حرف را بزند. میخواهم بگویم حتی در لفظ هم اینها هیچ رابطه ای با مردم ندارند. امر و هدف اعلام شده شان دفاع از ولی فقیه و حکومت الله است و بس. و هرکس هم که با این بساط مخالف است خورش حلال است.

بر متن این شرایط انتخابات به امری تماماً پوچ و یک مضحکه تمام عیار تبدیل میشود که حتی برخی از



مقامات حکومتی هم آنرا انتصابات مینامند.

خلیل کیوان: جدال جناح ها در پس انتخابات به چه صورت خواهد بود؟ از مقطع جنبش موسوم به دوم خرداد در اواخر دهه هفتاد اصلاح طلبان با ایجاد توهم حکومت را از خطر سرنگونی نجات دادند. اینها عملاً در استمرار وضع موجود سهیم اند. سرنوشت اینها چه خواهد شد؟ جناح های دیگر چه؟ آیا جمهوری اسلامی یکدست میشود؟

حمید تقوایی: اینها تلاش میکنند که خودشان را یکدست کنند ولی این ممکن نیست. جناح "اصلاح طلب"، که اسم درست ترش جناح "استحاله" است (چون هیچ اصلاحی بجز اضافه کردن لبخند به سرکوب در کار اینها نمی بینید)، ارزش مصرفش را برای حکومت از دست داده است. ارزش مصرف این جناح برای جمهوری اسلامی این بود که مردم به ستوه آمده از حکومت را با وعده اسلام نرم تر معتدل تر آرام کند. و در این بازی از جمله با گرم کردن تنور انتخابات خودش را در قدرت نگه دارد. ولی امروز زمین زیر پای حکومت چنان داغ شده

و وضعیت چنان وخیم است که حتی همین نوع مانورها هم به ضررش تمام میشود. تشخیص داده است که حتی غروندهای زیر لبی استحاله چی ها تعرض مردم علیه کل حکومت را تشدید و گسترده تر میکند.

از سوی دیگر غروندهای حکومتی ها هم تند تر و علنی تر شده است. کسی مثل احمدی نژاد که حتی دو خردادی هم نیست، و برگزیده خامنه ای در انتخابات سه دوره قبل بود، امروز به مخالفی تبدیل شده که از سیل قریب الوقوع و تحولی زیرورو کننده تر از بهمن ۵۷ صحبت میکند. بنابراین داستان استفاده از دو خرداد برای تزئین ویتترین حکومت تماما به انتها رسیده است.

با این همه این شرایط به معنی حذف دو خرداد از صحنه سیاسی نیست. به نظر من خط استحاله همزاد جمهوری اسلامی است و هر اندازه هم دستش از ارگانهای قدرت کوتاه شود در صحنه سیاسی باقی خواهد ماند. تا وقتی جمهوری اسلامی هست کشمکش های جناحی پایان نخواهد گرفت و حتی حادثه تر هم خواهد شد. در حکومتی که به سر اشیب سقوط افتاده هر کسی از داخل حکومتی

ها و جناحها سربلند میکند با این ادعا که "راه حل نزد من است". این نوع گفتمانها در میان صفوف حکومت بیشتر خواهد شد. ممکن است اشکال قبلی را نداشته باشد و در قالب رقابت اصلاح طلب اصولگرا خود را نشان ندهد ولی در هر حال این نوع کشمکشها بعد از انتخابات نه تنها تمام نخواهد شد بلکه گسترش پیدا خواهد کرد و حادثر خواهد شد.

خلیل کیوان: شما نزدیک به دو دهه است بکرات از ضرورت انقلاب و سرنگونی حکومت با قدرت مردم نوشته اید و صحبت کرده اید. اکنون با نگاهی به مباحثی که در رسانه ها در جریان است می بینیم که مفسرین، فیلسوفان سیاسی، تحلیل گران و ژورنالیست های بسیاری هم از قریب الوقوع بودن انفجار و انقلاب صحبت میکنند. آیا تصویر واحدی در میان کسانی که از این روند صحبت میکنند، وجود دارد؟ سناریوهای احتمالی چه خواهد بود؟

حمید تقوایی: اساس مسئله اینست که حرکت میدانی مردم با شعار و اعلام سرنگونی نقش محوری ای در

شکل دادن به شرایط سیاسی یافته است. کمتر اعتراضی است که به کیفرخواستی علیه حکومت تبدیل نشود. ما هشت مارس و اول مه مه امسال را شاهد بودیم. این روزها فقط روزهای دفاع از جنبش کارگری و یا اعلام حمایت از حقوق زنان نبود، بلکه کیفرخواستی علیه کل حکومت هم بود. در جریان همین انتخابات می بینید که دیگر بحث بر سر حتی تحریم نیست. مردم میگویند رای ما سرنگونی است. وضعیت طوری است که جامعه در ابعادی رادیکال تر و گسترده تر از گذشته در برابر حکومت قرار گرفته است.

بازتاب و انعکاس این وضعیت را در احزاب و نیروهای اپوزیسیون مشاهده میکنید. میدانید دوره ای بود که بحث رژیم چنج و حمله نظامی و تغییرات از بالا و بحران آفرینی در مرزها و غیره مطرح بود. امروز دیگر هیچ حزبی در اپوزیسیون چنین گفتمان و تصوراتی ندارد. چون اگر خودش را با حرکت رادیکال خیابان وفق ندهد به شرایط سیاسی جامعه بی ربط میشود. به این دلیل است که همه از انفجار اجتماعی و قریب الوقوع بودن انقلاب صحبت میکنند. هر حزبی اگر بخواهد

در سیاست جایی داشته باشد ناگزیر است با این جو و فضای سیاسی خودش را منطبق کند. اما این امر به این معنی نیست که همه نیروهای سیاسی تصویر و تبیین واحدی از انقلاب و از سرنگونی حکومت دارند. مردم خواهان و نیازمند سرنگونی به معنی در هم کوبیدن کل حکومت و دولت مافوق مردم و ریشه ای ترین و جامع ترین تغییرات هستند. اما تصور نیروهای اپوزیسیون راست از سرنگونی این نیست. برعکس، آنها خواهان برکناری رژیم با کمترین تغییرات ممکن هستند.

به نظر من با گسترده تر و عمیق تر شدن حرکت میدانی مردم استراتژی کمترین تغییرات نیز موضوعیت سیاسی خودش را از دست خواهد داد و جامعه به رادیکال ترین و انقلابی ترین نیروی اپوزیسیون، به حزبی نظیر حزب ما که نه بخاطر هم‌رنگ جماعت شدن بلکه بر مبنای برنامه و امر و هدف همیشگی اش خط انقلاب و تغییر بنیادی اوضاع را دنبال کرده است روی خواهد آورد.

خلیل کیوان: یک شرط شکل‌گیری انقلاب و بالطبع توجه به آلترناتیوها و احزاب انقلابی، همه‌گیری گفتمان

انقلاب است. تغییر ذهنیت فعالین اجتماعی و چرخش آنها ب سمت نیروهای انقلابی است. انتخاب آترناتیو هاست. عروج یک رهبری برای انقلاب است. چه تحولاتی در این زمینه قابل مشاهد است؟

حمید تقوایی: با توضیحاتی که دادم باید پاسخ این سؤال شما نیز روشن شده باشد. حزبی میتواند به رهبری انقلاب عروج کند که برنامه و استراتژی و سیاست و پراتیک همیشگی اش بر این مبنا استوار باشد. همانطور که اشاره کردم هر حزبی که نخواهد موضوعیت سیاسی خود را از دست بدهد ناگزیر است از سرنگونی صحبت کند اما رهبری انقلاب از دنباله روی از اعتراضات مردم و منطبق شدن با فضای سیاسی روز بدست نمی آید. اینکه همه نیروها به نوعی خود را به جنبش کارگری مربوط میکنند، میگویند کارگران هفت تپه آترناتیو ما هستند، یا از سلطنت طلبی دست میکشند و اعلام میکنند بعد از جمهوری اسلامی تا بیست سال مردم سوسیالیستها را انتخاب خواهند کرد، اینها تلاشی است حداکثر برای ادامه حیات سیاسی در جامعه ای که به چیزی کمتر از نابودی جمهوری اسلامی رضایت

نمیدهد. اما مردم رهبران خود را از میان دنباله روان خود انتخاب نمیکنند. همین انصراف از سلطنت و کارگر و سوسیالیسم پناهی نیروهای راست توجه ها را به سوی نیروئی جلب میکند که کارگر و سوسیالیسم جزئی از هویت و فلسفه وجودی او است. حزبی که رادیکالیسم و انقلابگیراش عکس العمل به شرایط موجود نیست بلکه مانند حزب ما خود در ایجاد این شرایط نقش داشته است.

زمانی که اکثریت نیروهای اپوزیسیون به نوعی به جنبش سبز و بنفش و غیره دخیل بسته بودند و رژیم چنج و تغییرات از بالا را دنبال میکردند، و یا به اسم چپ با معیارهای ایدئولوژیک و غیر سیاسی با اعتراضات و خیزشهای توده ای "مرزبندی" میکردند، ما مبارزه پیگیر و گسترده ای را علیه دوخرداد و استحاله چی های حکومتی به پیش میبردیم، از ضرورت و مطلوبیت انقلاب دفاع میکردیم، بر جوهر سرنگونی طلبانه اعتراضات توده ای نظیر خیزش ۱۸ تیر ۷۸ و خیزش ۸۸ تاکید میکردیم و اعلام میکردیم کل حکومت می تواند و باید به قدرت انقلاب مردم سرنگون بشود. امروز

می بینیم خوشبختانه کل جامعه در این جهت حرکت میکند. بازنشستگان، معلمان، و کارگران با اعتصابات سراسری خود به میدان آمده اند و صریح تر و آشکار تر از هر زمان کل حکومت را به چالش میکشند.

این شرایط زمینه را برای عروج یک نیروی انقلابی، نیروئی که مثل حزب ما از ابتدا بر این خط کوییده و استراتژی اش این بوده است، فراهم میکند. مارکس میگوید در شرایط انقلابی همه احزاب به چپ خودشان متمایل میشوند و در شرایط رکود بر عکس همه به راست میچرخند. ما در ایران شاهد روند اول هستیم. و می بینیم که نیروها جنبشها و احزاب به ناگزیر به چپ متمایل شده اند چون جامعه این را می طلبد.

در این متمایل شدن نیروها به چپ نیروئی شرایط و امکان عروج به رهبری را دارد که از ابتدا در منتهی الیه چپ جامعه ایستاده بوده است. منتهی الیه چپ نه تنها از لحاظ تئوری و خط و برنامه بلکه بویژه از نظر عملکرد و دخالتگری فعال در پیشاپیش صف همه جنبشها و حرکت‌های اعتراضی علیه هر نوع تعیض و بیحقوقی در



جامعه. و در نتیجه خود عملاً نقش فعال و مهمی در رادیکالیزه شدن حرکت‌های میدانی، تعمیق سرنگونی طلبی و "نه" مردم به حکومت ایفا کرده است. هر کس اندک آشنائی با شرایط سیاسی و کمترین شناختی از نیروهای اپوزیسیون داشته باشد میداند که حزب ما چنین حزبی است.

خلیل کیوان: چه تصویری از تقابل‌های رژیم و جنبش سرنگونی و انقلابی پس از انتخابات میتوان بدست داد؟ حزب کمونیست کارگری ایران چگونه خود را برای اوضاع پس از انتخابات و رویارویی‌هایی که در پیش است خود را آماده میکند؟

حمید تقوایی: به نظر من بعد از انتخابات شرایط تازه‌ای ایجاد میشود به این دلیل که حکومت یک سمبل و نماد سرکوبگری و جنایت خودش را رئیس‌جمهور کرده است. و این، هم از نظر حکومت و هم مردم بیانگر جنگ آخر است. از یکسو حکومت به جامعه اعلام میکند با شمشیر عریان در مقابله ایستاده‌ام. دیگر بحثی از گشایش سیاسی و گشایش اقتصادی و نظایر آن در کار

نیست. یک جلاد آمده است که بزند و بکوبد و مرغوب کند. در واقع حکومت این پیام را به مردم میدهد که بین من و شما جنگ سازش ناپذیری در جریان است و من با کسی که از اعدام هزاران نفر ابائی نداشته است در مقابل شما قرار گرفته ام.

از سوی دیگر در جبهه مقابل هم تعرض مردم شدت خواهد گرفت. مردمی که فی الحال شعار میدهند رای من سرنگونی است نه تنها با این مانورها و ترفند ها مرعوب نخواهند شد بلکه عرصه و جبهه تازه ای در مقابله با جلاد کشتار دهه شصت و بزیر کشیدن حکومتی که چنین کسی را در راس دولت قرار داده است خواهند گشود.

حکومت از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است و با این حال جامعه هر روز معترض تر و رادیکال تر شده است. بعد از انتخابات این روند با شدت و گسترش بیشتری ادامه خواهد یافت. به نظر من بعد از انتخابات ما شاهد حکومتی خواهیم بود که در عین اینکه تلاش میکند از خود تصویر حکومت نوع پینوشه ای ترسیم کند، عملاً

بیشتر به شاه سلطان حسین شبیه است. این تناقض باعث میشود مردم دست به تعرض گسترده تری بزنند و جامعه یکپارچه تر و متحد تر علیه حکومت به میدان بیاید.

فضای سیاسی کل جامعه بعد از این انتخابات، چه در میان نیروهای اپوزیسیون و چه مهمتر از آن در صفوف مردم و کارگران و زنان و دادخواهان و بخشهای مختلف جامعه، رادیکال تر و تعرضی تر خواهد شد و از سوی دیگر حکومت بحرانزده تر و مستاصل تر و صفوفش به هم ریخته تر میشود. اساسا به این دلیل که بحرانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که گریبانگیر حکومت است هر روز شدید تر خواهد شد و انتخابات این بحران همه جانبه و ساختاری را حتی تخفیف هم نخواهد داد.

خلیل کیوان: در مورد اینکه فعالین اجتماعی و سیاسی چه باید بکنند چه رهنمود و فراخوانی دارید؟

حمید تقوایی: فراخوان حزب ما که البته از انتخابات نتیجه نشده اینست که به سیاستها و کارزارها و رهنمود

ها و راهکارهای حزب بیوندید. منظور من از پیوستن لزوماً عضویت در حزب نیست بلکه مهمتر از آن دنبال کردن و در دست گرفتن رهنمودها و سیاستها و شعارها و عمل کردن به فراخوانهای حزب است. حزب ما پلاتفرمها و کارزارها و ظرفهای مبارزاتی متعددی برای دخیل شدن و فعال شدن هر کس که در هر سطحی علیه بی حقوقیها و تبعیضات و برای سرنگونی حکومت می خواهد کاری انجام دهد فراهم کرده است. از سازماندهی اعتصابات سراسری کارگران و تقویت و هماهنگی مبارزات بازنشستگان و معلمان و جنبش کارگری تا کارزار بایکوت جمهوری اسلامی و از کارزار آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام تا مبارزه علیه آپارتاید جنسی و برافراشتن پرچم انقلاب زنانه. فراخوان من به خصوص به فعالین و کنشگران در جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان، و فعالین جنبش رهائی زن و جنبش دادخواهی و سایر جنبش هایی که علیه تبعیض و بی حقوقی مبارزه میکنند اینست که در این کارزارهای گسترده فعالانه شرکت کنید تا بتوانیم یک صف متحد و یکپارچه و قدرتمندی در برابر حکومت شکل دهیم. جنبش قدرتمندی که بتواند ضربه نهائی

را به جمهوری اسلامی وارد کند و یکبار برای همیشه  
جامعه را از شر نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر نوع  
دیکتاتوری رها سازد.

۳ ژوئن ۲۰۲۱

وب سایت:  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و  
گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام: [@wpi\\_tamas](https://t.me/wpi_tamas)

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سیگنال، واتساپ و تلگرام

اینستاگرام